

در امتداد تاریکی

سرگذشت دختر مواد فروش!

قرار شد باغ ویلایی را به مدت یک شبانه روز در منطقه تفریحی شاندرین اجاره کنیم و کنار یکدیگر خوش بگذرانیم. اگر چه خانواده ام کاملاً مخالف این برنامه بودند ولی با اصرارهای من و «بهناز» بالاخره پذیرفتند و این گونه مادر یک دور همی دوستانه به بازی جرئت و حقیقت پرداختیم.

یکی از بچه ها که جرئت انتخاب کرده بود بدیدو در تاریکی شب درون آب سرد استخر می پرید و ماهم فقط می خندیدیم! دیگری هم باید بیامی را که ما برایش می نوشتیم به همه مخاطبان تلفن همراهِش ارسال می کرد. در این میان وقتی پست به من رسید باید رب لبه دیوار پشت بام می نشستیم و پایهام را روبه زمین دراز می کردم ولی از ارتفاع به شدت می ترسیدم و همین دلیل اصرار کردم تا دختران مرا عوض کنند. در این میان یکی از مجازات مقداری «گل» از کفش بیرون آور دو گشت: بیا کمی «گل» بکش تا بینیم چه حالی می شوی؟ من هم که خیلی کنجکاو بودم پذیرفتم ولی بعد از آن که احساس کردم سرخوشی زودگذری به من دست داد، روز بعد هم به «فرخنده» نگزندم و او در منزل مجردی اش «گل» مصرف کردم. «فرخنده» هم در سال آخر مقطع کار دانی دانشگاه تحصیل می کرد و بدین ترتیب معاشرت من با او برای مصرف «گل» ادامه یافت تا این که چندماه بعد هنگامی که من دیگر به یک معناد حرفه ای تبدیل شده بودم تحصیلات فرخنده هم به پایان رسید و او به شهرستان بازگشت. حالا دیگر برای تهیه مواد و مکان مصرف دچار مشکل شده بودم که در جستجوی مواد افیونی وارد پارک کشدم و یک فروشنده «گل» (پیدا کردم اما او از خواست در برابر تامین مواد مصرفی من امتناع می کرد) «گل» بفروشم! این بون که به خاطر نیاز مالی، به فروش مواد افیونی رو آوردم و یک ماه بعد هم توسط نیروهای گشت کلاترتری رسالت در پارک دستگیر شدم اما ای کاش ...

گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است با معرفی این دختر جوان به مراجع قضایی، اقدامات قانونی نیز با دستور سرهنگ مجتبی حسین زاده (رئیس کلانتری رسالت مشهد) برای رهایی این دختر از دام مواد افیونی آغاز شد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

همه چیز از بازی جرئت و حقیقت در یک دور همی دوستانه آغاز شد و من که باید جرئت خودم را نشان می دادم به پیشنهاد دیگران مواد مخدر از نوع «گل» مصرف کردم تا ساعات خوشی را سپری کنیم اما خیلی زود به دام مواد افیونی افتادم...

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، دختر، ۱۹ ساله ای که به اتهام فروش مواد مخدر در یکی از پارک های مشهد دستگیر شده بود، در باره سرگذشت عبرت آموز خود به کارشناس اجتماعی کلانتری رسالت مشهد گفت: پدرم کارمند یکی از شرکت های دولتی حمل و نقل ریلی بود و ما در منزل در خانه با خیاطی و گلدوزی و حتی شیرینی پزی به اقتصاد خانواده کمک می کرد اما من هیچ وقت علاقه ای به اموزختن هنرهای مادرم نداشتم، به همین خاطر تصمیم گرفتم به فعالیت در رشته ورزشی هندبال بپردازم و به عنوان مربی مشغول کار شوم. این گونه بود که در یک باشگاه ورزشی ثبت نام کردم و سخت برای رسیدن به آرزویم به تمرینات ادامه می دادم. در باشگاه با دختری دوگوشه شوخ طبع آشنا شدم که مورد علاقه من و علاقه بسیاری از هم کلاسای ما هم بود. ارتباط مسممی و رفیقانی بین من و «هناز» هر روز بیشتر می شد به طوری که بدون او اصلا نمی توانستم در باشگاه تمرین

کنیم. «بهناز» هم مانند من در سال آخر دبیرستان تحصیل می کرد و احساس تنهایی را در وجود من کاملاً از بین برده بود. حالا دیگر همه اوقات من را در کنار او می گذراندم و خوشی ها و تلیخی های روزگار مرا با «بهناز» تقسیم می کردم. چند ماه از این رفاقت صمیمانه گذشته بود که روزی «بهناز» مرا با دوستان دیگر ش آشنا کرد. آن روز یک قرار دوستانه با ۵ دختر دیگر در یک کافه سنتی گذاشته بودیم که دوستان «بهناز» هم در قلوب من جای گرفتند چرا که آن چهارم هم در شوخ طبعی دستان کسی از «بهناز» نداشتند و حوصله ام در کنار آن هاسر نمی رفت. وقتی از کافه بیرون آمدیم دیگر از دوستی دو نفره خارج شده بودیم حالا یک گروه دختر با هیجان و شوخ بودیم که شهر را زیر پایمان می گذاشتیم. به همه مکان های تفریحی سر می زدیم و روز های زیبایی را سپری می کردیم تا این که یک شب

سوابق کیفری خود را روی میز افسر تجسس دید به ناچار لب به اعتراف گشود و گفت: چند روز قبل از مرگ ترک اعتیاد ترخیص شدم و سپس به خاطر مشکلات اقتصادی دوباره با همدستی همسرم به کیف زنی و گوشی قابی رو آوردم.

وی در باره شگرد عجیب خود نیز گفت: همسر من سوار اتوبوس های شهری می شود و من هم با نقابی که به چهره می زنم تا شناسایی نشوم پشت سر اتوبوس با موتور سیکلت حرکت می کنم. وقتی همسر داخل اتوبوس گوشی مسافران را از کیف آن ها هارست می کند، من با فاصله در ایستگاه توقف می کنم. و گوشی سرقتی را از او تحویل می گیرم. سپس همسر هم سوار ادامه می دهد تا گوشی دیگری سرقت کند. اما من وقتی دستگیر شدم با پیامک موضوع را به همسر م اطلاع دادم!

بنابر گزارش روزنامه خراسان، در پی اعتراضات وی، بلافاصله عوامل انتظامی با هماهنگی قضایی، همسر او را نیز در منزل پدرش دستگیر و به کلانتری هدایت کردند. این زن هم که به مواد مخدر سنتی اعتیاد دارد، در بازجویی ها گفت: به خاطر آن که مر دم در اتوبوس های شهری خسته هستند و متوجه سرقت نمی شوند تصمیم گرفتم درون اتوبوس ها کیف زنی کنم و گوشه ای را هم در اطراف باغ آژامگاه خواجه ربیع به فروش بگویم. بر ساینم که بعد از چند فقره سرقت دستگیر شدیم!

در خور یادآوری است بررسی های بیشتر و همچنین شناسایی مال باختگان و مالخران با نظارت رئیس کلانتری شفا در این باره ادامه دارد.

افشای دسیسه پلید یک دزد در عملیات پلیس!

در حالی که دزد جوان بارها محل قرار اعوض
کر اما بالاخره نیروهای انتظامی وی را به دام
انداختند و به کلانتری همدایت کرند. او ابتدا با
رازه کارت ملی و گواهی نامه رانندگی خود را با نام
«جلیلی» - «ع» معرفی کرد اما افسران کارآزموده
تجسس خیلی زود دریافتند که مدارک مذکور
سرقتی است و متهم ۲۷ ساله «حسان» نام دارد.
طولانی نگشید که صاحب مدارک شناسایی
گفت: مدتی قبل کیف حاوی مدارک شناسایی
م در خیابان احمدآباد سرقت شده است. با آن
که متهم معتاد به گل و بنیگ در ادامه تحقیقات
مدعی شد مدارک را به مبلغ ۴ میلیون تومان از
فرد ناشناسی خریده است اما وی باید دستور مقام
قضایی روانه زندان شد و تحقیقات در این باره
ادامه یافت.

سارق چاقو کش از همسایگان قدیمی ما مباحثه
این گونه بود که عملیات دستگیری وی در
تور کار عوامل تجسس کلانتری قرار گرفت. اما
بمبین حال زن جوان با مراجعه به دایره تجسس
اکرد: مدتی است فردی با سیم کارت و شماره
های گوناگون برابیم ایجاد مزاحمت و تهدید
و انتشار عکس و فیلم های شخصی ام می کند؛ به
های که آرامش را از زندگی ام بروده و امنیت مرا
به کرده است!

گزارش روزنامه خراسان، با این اطلاعات،
به های زنده تجسس دریافتند که احتمالا فرد
اخته همدان سارق کیست که آشنایی قدیمی با
نمایی های تجربی رئیس کلانتری، عملیات
دستگیری وی را با اقرار های صوری آغاز کردند.



عکس: تزیینی است

شد. وقتی نیروهای گشت از وی خواستند ریز گوشه‌های باران را استعمال از مرکز سامانه همیاب باز کند، او مدعی شد ریز گوشه‌های باران را آموزش کرده است.

گزارش روزنامه خراسان حاکی است در همین حال بود که زن یکی از گوشی ها به صدا درآمد وزن جوانی از آن سوی خط ادعا کرد گوشی تلفن متعلق به اوست و دقایقی قبل درون اتوبوس شهری از داخل کیف دستی اش سرقت شده است، با توجه به اهمیت موضوع، بی درنگ موتور سوار نقابدار با دستور بازرگردد احسان سیکبار (رئیس کلانتری شفا) به مقر انتظامی انتقال یافت و بازجویی ها از وی در دایره بزرگ کلانتری آغاز شد. این سارق ۳۷ ساله که خود را «اکظم» معرفی می کرد، وقتی



زوج جوانی که بایک شگرد عجیب به اموال مسافران اتوبوس های شهری دستبرد هوشیاری نیروهای کلانتری شفای مشهدد گ گوشی سرقتی، راز دزدان معتاد را فاش

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، چند روز قبل نیروهای گشت کلانتری شقای مشهد که طرح ویژه ای را با دستور سردار سرتیپ دوم احمد نگهبان (جانشین فرمانده انتظامی خراسان رضوی) برای برخورد با مجرم موتور سوار آغاز کرده بودند، هنگام انجام وظیفه در بلوار ابوطالب به موتور سوار نقابداری مشکوک شدند که پشت سر اتوبوس های شهری حرکت می کرد و با هر توقف اتوبوس در ایستگاه های مختلف نیز متوقف می شد. این رفتار را متعارف می دانستند و مدّک و از چنان نیز بین نیروهای انتظامی دور نماند و آن ها به طور نامحسوس به تعقیب موتور سوار نقابدار پرداختند و متوجه شدند که او با فردی درون اتوبوس نیز از طریق پیماک ارتباط دارد.

چند دستگاه گوشی تلفن باسیم کارت و بدون سیم کارت کشف شده‌های بی‌رطبی ۱۰، بلافاصله مورد بازرسی قرار گرفت. ۲۷ ساله که از شدت اضطراب و نگرانی به سوالات مأموران جواب نداد. جوانان همدردی که از دستگاه‌های بی‌سیم جیبی خود استفاده می‌کردند. جوانان همدردی که از دستگاه‌های بی‌سیم جیبی خود استفاده می‌کردند.



سجاد پور- دزدی که با سرعت گوشی یک زن جوان، دسیسه‌پلیدی را برای انتشار تصاویر و عکس‌های شخصی‌مالباخته طراحی کرده بود، با عملیات هووشمندانه نیروهای کلانتری آبکوه مشهود رسوا و روانه زندان شد.

هم‌گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، در پی گزارش یک فقره زورگیری در پیولار شهید فرامرز عباسی مشهد، بلافاصله نیروهای دایره تجسس کلانتری آبکوه، تحقیقات میدانی خود را در محل وقوع سرقت آغاز کردند. بررسی‌های آنان نشان داد جوان پژوسوار ارباب‌فری چاقو، گوشی تلفن زن جوانی را از محل تبادل فرستاد (سوپرمارکت) پیسودا و از محل گریخته است، بنابراین تحقیقات بلافاصله دستورهای ویژه‌ای از سوی سرهنگ روح...لطیفی (رئیس کلانتری آبکوه) آغاز و مشخص

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص ایوان گستر امن آسا
به شناسه ملی ۱۴۰۱۳۲۹۲۷۹ و به شماره ثبت ۶۳۳۰۳۵ به استناد صورت جلسه هیئت مدیره مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۰۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد خانم تمین وزاقی به شماره ملی ۰۰۳۳۹۵۷۵۳ جایگزین آقای سید محمد صادقی جلال زاده اسفندآبادی به شماره ملی ۰۰۶۰۶۷۰۶۱ به سمت مدیر عامل برای باقی مدت تصدی تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۳/۳۱ انتخاب گردیدند. محل شرکت به آدرس استان تهران، شهرستان شمیرانات، بخش مرکزی، شهر تجریش، اوین، بلوار دانشجو، خیابان درکه، پلاک ۱۰، ساختمان دانشگاه شهید بهشتی، پارک علم و فناوری شهید بهشتی، طبقه ۲- واحد ۱۳ اتفاق به پستی: ۱۹۸۳۹۶۹۷۴۹ تغییر یافت.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۱۸۸۳۶۰۲)

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه شهرداری تربت حیدریه به‌اسناد و برگ استنادشده گواهی شده منضم به تقاضای کنسی جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت دوم به این اداره مر اجعه کرده و مدعی می‌باشند سند مالکیت شش‌شاگش پلاک ۹۰۲ مفروز و مجزی شده از ۱۵۱ فرسای ۲ - اصلی بخش یک ربعه تربت حیدریه به علت نا معلوم مفقود گردیده که سپس با بررسی سوابق و سامانه مدیریت کشوری املاک تربت حیدریه سند مالکیت المثنی نوبت اول فوق ذیل ثبت ۷۵۲۲۲ دفتر ۶۶ صفحه ۶۶ نام شهر تاری تربت حیدریه به نام و تسلیم گردیده و سامانه مدیریت کشوری املاک پیش از این حکایتی ندارد ولی با استناد ماده ۱۲۰ نامه اصلاحی قانون ثبت مر اواب یک نوبت آگهی و متذکر میگردد که کسی نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت از خود باشد یا پسینی لزوم در روز از تاریخ انتشار این اعتراض خود را به پیوست نامه سند مالکیت یا سند معامله رسمی به این اداره منعقاید. بدینوسیله است که صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مفروز و یا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی و تسلیم آن به تقاضای اقدام خواهد شد. مرق الف ۸۵۰ شناسه ۱۸۸۲۱۲۱۴ تاریخ انتشار ۱۳۰۳/۱۱/۲۸

سجدهین موسوی اسفویخی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک تربت حیدریه

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده
شرکت خوشه پروان مهم (سهامی خاص)
شماره ثبت ۷۹۳ و شناسه ملی ۱۴۰۱۱۲۹۲۱۳۲
بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت خوشه پروان مهم (سهامی خاص) شماره ثبت ۷۹۳ و شناسه ملی ۱۴۰۱۱۲۹۲۱۳۲ دعوت می‌شود در جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده که در تاریخ ۱۳۰۳/۱۲/۱۸ ساعت ۱۰ صبح در مرکز اصلی شرکت: استان خراسان رضوی، شهرستان فریمان، بخش مرکزی دهستان سنگ پسته و روستای شهرک صنعتی کایوان، شهرک صنعتی کایوان، خیابان گمرکندی شرقی کوچه صنعت ۱۴، پلاک ۱، طبقه ۱، واحد ۴، کمیته ۳۹۳۴۹۴۵۰ برگزار می‌شود. حضور بهم رسانند.

دستور جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده: ۱- انتخاب مدیران و تعیین سمت مدیران و تعیین دارندگان حق امضاء ۲- انتخاب بازرس ۳- انتخاب روزنامه ۴- سایر تصمیماتی که در اختیار مجمع فوق باشد.

اعضای هیات مدیره

آگهی تجدید مناقصه عمومی دو مرحله‌ای مناقصه شماره ۸-۳ (نوبت دوم)



۱- دستگاه برگزار کننده مناقصه: شرکت آب منطقه‌ای خراسان شمالی
۲- موضوع مناقصه: تامین تجهیزات ابزار دقیق سد بارزو شیروان
۳- برآورد اولیه: حدود ۱۳۰ میلیارد ریال
۴- مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: ۶۵۰۰ میلیون ریال با اعتبار حداقل ۳ ماه و قابل تمدید تا ۳ ماه دیگر
۵- محل دریافت اسناد مناقصه: سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد)
www.setadiran.ir
۶- مهلت دریافت اسناد مناقصه: از روز شنبه ۱۴۰۳/۱۱/۲۷ لغایت چهارشنبه ۱۴۰۳/۱۲/۱
۷- محل تحویل اسناد مناقصه: بارگذاری در سامانه ستاد
۸- مهلت تحویل اسناد مناقصه: تا ساعت ۸ صبح یکشنبه ۱۴۰۳/۱۲/۱۲
۹- محل و زمان گشایش پیشنهادها: ساعت ۹ صبح یکشنبه ۱۴۰۳/۱۲/۱۲

شرکت آب منطقه‌ای خراسان شمالی

۱۱۱۳۳۵۰

[illegible]



شرکت ملی صنایع پتروشیمی جنوب
شرکت بهره برداری نفت و گاز آغاجاری (سهیمی خاص)

فراخوان مناقصه عمومی دو مرحله ای

تأمین کالا ۱۹۱/ات کد آج/۱۴۰۳

نوبت اول

مهرت دریافت اسناد اعلام ارزیابی کیفی:
 از ساعت ۱۳/۰۳/۱۴۰۳ تا ساعت ۱۴/۰۳/۱۴۰۳ مهلت ارسال پاسخ
 اعلام ارزیابی کیفی تا ساعت ۱۴/۰۳/۱۴۰۳
اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گرا:
آدرس: استان خوزستان - شهرستان ابدیه - بلوار نفت - شرکت بهره برداری نفت و گاز
 آغاجاری (ات کد تدارکات ۱۹۱/ات کد آج/۱۴۰۳)
تلفن: ۰۹۱۲۶۲۴۲۸۷ - ۰۹۱۲۶۲۴۲۸۸
تلفن: ۰۹۱۲۶۲۴۲۷۳ تا ۰۹۱۲۶۲۴۲۷۴ داخلی ۲۳۱۷
اطلاعات تماس سامانه سامانه جهت انجام مراحل علویت در سامانه:
مرکز تماس: ۰۲۱-۶۱۹۳۲۴ - ۰۲۱-۶۱۹۳۲۵
دفتر ثبت نام: ۸۸۹۶۹۷۷۷ - ۸۵۱۳۲۷۶۸

روابط عمومی شرکت بهره برداری نفت و گاز آغاجاری

شماره: ۱۸۸۳۶۴۶

مصرفه جویی در زمان روزنامه خراسان www.37010.ir